

نقش میانجی تاب آوری در ارتباط بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

خلاصه

مقدمه: دلزدگی زناشویی از مسائل روانشناختی موثر در کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد. این پژوهش با هدف تعیین نقش میانجی تاب آوری در ارتباط بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره بود.

روش کار: روش پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده منطقه ۱ شهر تهران در بازه زمانی نیمه دوم تیر تا پایان شهریور ماه سال ۱۴۰۰ بود، که ۲۴۸ زوج (۱۲۴ مرد و ۱۲۴ زن) با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و با روش اجرای اینترنتی با استفاده از مقیاس های دلزدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶)، تاب آوری (کانر و دیویدسون ۲۰۰۳) و پرسشنامه های تمایز یافتگی خود (اسکورن و دندی، ۲۰۰۳) مورد ارزیابی قرار گرفتند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از مدل آزمون پیرسون و OLS استفاده شد.

نتایج: بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0.05$)، همچنین تاب آوری در رابطه بین تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی زوجین نقش میانجی ندارد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های پژوهش حاضر می توان گفت که تمایز یافتگی نقش مهمی در دلزدگی زناشویی و به طور کلی روابط زناشویی زوجین دارد، لذا توجه به تمایز یافتگی در پیشگیری و طراحی درمان های مناسب تر به پژوهشگران و درمانگران حوزه زوج و خانواده یاری می رساند.

کلمات کلیدی: تاب آوری، تمایز یافتگی، دلزدگی زناشویی.

پی نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می باشد.

محمد رضا مهدی قلی^۱

فریده دوکانه ای فرد^{۲*}

پانته آ جهانگیر^۳

^۱گروه روانشناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی،

رودهن، ایران

^۲گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی،

رودهن، ایران (نویسنده مسئول)

^۳گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی،

رودهن، ایران

Email: f_dokaneif@gmail.com

مقدمه

کاهش واکنش عاطفی افراد است تا فرد بتواند افکار و عقاید خود را بدون توجه به فشارهای اجتماعی بیان کند (۷). در سیستم ازدواج، زمانی که تمایز یافتگی زوجین زیاد باشد، زوج‌ها به احتمال زیاد به درستی با تعارض‌ها سازگار می‌شوند، اضطراب و واکنش‌های هیجانی و در نهایت آمیختگی کمتری دارند (۸). در مقابل، استفاده از اجتناب توسط زوج‌های با تمایز یافتگی کم، در هنگام بروز تعارض، تعادل بین «با هم بودن و فردیت» را به هم می‌زند و منجر به دلزدگی در دراز مدت می‌شود (۹). افراد نیز جفت‌هایی را انتخاب می‌کنند که تمایز یافتگی آنها با خودشان یکی باشد (۱۰). افراد کمتر تمایز یافته از نظر عاطفی به دیگران وابسته هستند و کمتر به فکر، عمل و احساس برای خود هستند. در حالی که افراد متمایز تر می‌توانند موقعیت شخصی خود را در روابط اعمال کنند (۱۱). نتایج پژوهش کاظمیان و همکاران (۱۲) رابطه منفی تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی را بررسی و تأیید کرده‌اند.

یکی از متغیرهایی که بر روابط زوجین تأثیر می‌گذارد، تاب‌آوری است (۱۳). تاب‌آوری توانایی تطبیق سطح کنترل با شرایط محیطی است (۱۴). در زمینه رفتار انسان، تاب‌آوری اغلب به عنوان یک ویژگی مرتبط با شخصیت، منش و توانایی مقابله در نظر گرفته می‌شود و به توانمندی، تاب‌آوری و توانایی کنترل یا بازگشت به حالت عادی پس از مواجهه با استرس و چالش شدید اشاره دارد (۱۵). تحقیقات نشان می‌دهد که سطوح بالاتر تاب‌آوری با سطوح پایین‌تر اضطراب و استرس مرتبط است (۱۶). افراد تاب‌آور معمولاً خوش بین هستند، استرس کمتری دارند، سطح اجتناب کمتری از خود نشان می‌دهند (۱۷) در موقعیت‌های زندگی، رویکردهای آسان‌تری را انتخاب می‌کنند زیرا مهارت‌های حل مسئله و تاب‌آوری را توسعه می‌دهند و مقاومت بیشتری در برابر موقعیت‌های استرس‌زا نشان می‌دهند (۱۸). پژوهشی نشان داد که افراد با تاب‌آوری کمتر سطوح بالاتری از انسجام خانوادگی، ارتباطات مؤثرتر و مشکلات کمتری را در عملکرد خانواده گزارش کردند، اما افراد با تاب‌آوری

زندگی با همسر ممکن است تجربه‌ای در مدیریت یک دنیای کوچک باشد، دنیای کوچکی که فشرده‌ای از همه طبیعت است و در نتیجه برای بقای خود، نیازمند عناصر اساسی مانند نظم، عدالت، زیبایی اضرار و البته جریان عشق است (۱). اما معمولاً عوامل مختلف فردی، اجتماعی، عاطفی و روانی باعث تضعیف ثبات و انسجام این نهاد اجتماعی سازنده دیرینه می‌شود. زمانی که انتظارات عاشقانه برآورده نمی‌شود، احساس ناامیدی مستقیماً به همسر نسبت داده می‌شود و به مرور زمان عشق و علاقه بین زوجین کاهش می‌یابد و گاهی کاملاً از بین می‌رود و مشکلات روحی و روانی، ادامه روابط سرد، بی‌انگیزگی و طلاق رسمی را در آنها ایجاد می‌کند (۲). یکی از این نابسامانی‌ها و کژئی‌های روانی، دلزدگی زناشویی است. دلزدگی عبارت است از خستگی جسمی، ذهنی و عاطفی ناشی از عدم تطابق بین انتظارات و واقعیت (۳). دلزدگی زناشویی کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی به همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی بین زوجین و جایگزینی احساسات منفی به جای احساسات مثبت مرتبط است (۴). دلزدگی زمانی اتفاق می‌افتد که زوج‌ها متوجه شوند که با وجود تمام تلاش‌هایشان، این رابطه هیچ معنای خاصی به زندگی آنها نداده و نخواهد داد. عوامل مختلفی بر کیفیت روابط زن و شوهر تأثیر منفی می‌گذارد و کیفیت رابطه را کاهش می‌دهد و در نتیجه باعث دلزدگی می‌شود که شناسایی آن‌ها می‌تواند در جلوگیری از فروپاشی زندگی زناشویی مؤثر باشد (۵)؛ از آن جمله می‌توان به عوامل شناختی و فردی زوجین اشاره نمود، این عوامل شامل تمایز یافتگی است.

تمایز یافتگی اساس نظریه بوئن است که توانایی فرد را برای تمایز فرآیندهای ذهنی و عاطفی، صمیمیت و استقلال از دیگران تعریف می‌کند (۶). مفهوم تمایز یافتگی اغلب با استقلال یا فردیت برابری می‌شود. اگرچه تمایز یافتگی از برخی جهات شبیه فردیت یا جدایی است، اما این مفهوم دقیقاً به معنای جدایی نیست. از نظر بوئن، تمایز یافتگی توانایی

ضعیف مشکلات بیشتری را در روابط خانوادگی گزارش کردند (۱۹).

با عنایت به به مطالب و پژوهش‌های فوق، و از آنجایی که خانواده یک نظام اجتماعی و از ارکان اصلی جامعه است و به نوعی کوچکترین سلول اجتماعی است که شناخت و بررسی عوامل تأثیرگذار در جهت قوام و استحکام خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است، و شناسایی مدل‌هایی برای درک مکانیسم‌های دخیل در پیدایش و تداوم دلزدگی زناشویی ضرورت دارد، چراکه با شناخت پیش‌بینی کننده‌های آن احتمال شناسایی زوجین در معرض خطر طلاق و آگاهی از راهبردهای پیشگیرانه افزایش می‌یابد. این پژوهش بر اساس فرمول‌بندی سه گانه عامل زمینه‌ساز، تداوم بخش، آشکارساز، درصدد است تا یکی از مؤثرترین عوامل زمینه‌ساز (یعنی تمایزیافتگی) و سپس از مهم‌ترین عامل تداوم بخش (تاب‌آوری) بر عامل آشکارساز (دلزدگی زناشویی) زوجین شناسایی کند تا در جریان زوج درمانی‌ها به شکل مؤثری عمل شود. از سویی با توجه به تحقیقات یک جانبه‌نگر پیشین کنار هم آمدن این متغیرها کمتر به چشم می‌خورد. بنابراین پژوهشگر بر آن است که به این سؤال پاسخ دهد: که تاب‌آوری در ارتباط بین تمایزیافتگی و دلزدگی زناشویی در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره نقش میانجی دارد؟

روش کار

پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد تحقیق در زمره تحقیقات کمی و از لحاظ روش تحقیق در زمره تحقیقات همبستگی دسته‌بندی می‌گردد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده منطقه ۱ شهر تهران در بازه زمانی نیمه دوم تیر تا پایان شهریور ماه سال ۱۴۰۰، بود (۳۲۰ زوج). از بین جامعه آماری، حجم نمونه پژوهش را ۲۴۸ زوج (۱۲۴ مرد و ۱۲۴ زن) تشکیل دادند، که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب

شدند. بدین ترتیب پس از آماده‌سازی پرسشنامه‌ها، سه مرکز مشاوره به صورت در دسترس در منطقه ۱ شهر تهران انتخاب شد. پس از کسب موافقت همکاری و کسب مجوز لازم، آدرس الکترونیکی پرسشنامه‌های مورد نظر، در اختیار مسئولین مراکز قرار گرفت و در بازه زمانی نیمه دوم تیرماه تا پایان شهریور ماه ۱۴۰۰ برای تمامی زوجین مراجعه کننده از طریق شبکه‌های اجتماعی واتساپ ارسال شد (۳۲۰ نفر) و از آن‌ها درخواست شد حداکثر طی مدت کوتاهی ۱-۲ روز پس از ارسال آدرس الکترونیکی بصورت جدا هر دو زوج به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند (در طی این مدت ۲۷۰ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند). قبل از ثبت و توزیع پرسشنامه‌ها جهت ترغیب مشارکت کنندگان به پاسخ‌گویی صادقانه، اهداف و ملاحظات اخلاقی پژوهش، برای شرکت کنندگان توضیحاتی نوشته شد. سپس فرم رضایت آگاهانه پاسخ دادند. در مرحله بعد اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان شامل ثبت شد. پس از گذر از این مرحله راهنمای نحوه پاسخگویی به هر یک از پرسشنامه‌ها ثبت شده و مشارکت کنندگان به پرسشنامه‌ها پاسخ گفتند. پس از جمع‌آوری داده‌ها براساس فرم اطلاعات جمعیت شناختی تعداد ۲۲ زوج که در ازدواج اول نبوده یا نوع ازدواجشان غیررسمی بود از پژوهش حذف شدند. شایان ذکر است که از قبل از اجرای پرسشنامه‌ها، درباره پرسشنامه‌ها به زوجین توضیح داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا با کمال دقت به سوالات جواب دهند؛ در مورد محرمانه بودن اطلاعات و رعایت اخلاق پژوهشی به زنان اطمینان داده شد. بعد از گردآوری اطلاعات، داده‌های پژوهش با استفاده از روش همبستگی پیرسون و OLS تحلیل شد

ابزار پژوهش

مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM)^۱: مقیاس دلزدگی زناشویی یک ابزار خودسنجی است که توسط پاینز (۱۹۹۶) با هدف اندازه‌گیری درجه دلزدگی زناشویی در بین زوجها

^۱ Couple Burnout Measurement

تدوین شده است؛ شامل ۲۰ عبارت و ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثلاً احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، دردم افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) مورد سنجش قرار می‌دهد. پاسگویی‌ها به سؤال به صورت ۷ گزینه‌ای لیکرتی (هرگز=۱، یکبار طی مدتی طولانی=۲، بندرت=۳، گاهی=۴، معمولاً=۵، غالباً=۶، و همیشه=۷) تنظیم شده است. ارزیابی ضریب اعتبار این مقیاس نشان داده که دارای یک همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۸۴٪ و ۹۰٪ است و روایی به وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی به تأیید رسیده است (۲۰). در ایران نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۶ گزارش شده است (۲۱). در این پژوهش روایی تشخیصی پرسشنامه ۰/۵۹، و پایایی به روش ترکیبی ۰/۹۵، و به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد.

نتایج

در این پژوهش ۲۴۸ نفر (۱۲۴ زوج) شرکت کردند، بررسی اطلاعات جمعیت شناختی نشان داد که میانگن سن زنان ۳۹/۴۴ با انحراف معیار ۹/۷ و مردان ۴۵/۹۸ با انحراف معیار ۱۰/۵۸ بود. طول مدت ازدواج ۵-۱۱ سال (۱۸ درصد)، ۱۰-۱۶ سال (۱۴ درصد)، ۱۱-۱۵ سال (۱۵ درصد)، ۱۶-۲۰ سال (۱۵ درصد)، ۲۱-۲۵ سال (۱۰ درصد)، ۲۶-۳۰ سال (۲۸ درصد) از آزمودنی‌ها تشکیل داد. سطح تحصیلی دیپلم ۳۴ نفر (۱۴ درصد)، کاردانی ۲۸ نفر (۱۱ درصد)، کارشناسی ۹۳ نفر (۳۷ درصد)، کارشناسی ارشد ۷۹ نفر (۳۲ درصد) و دکتری ۱۴ نفر (۶ درصد) از شرکت کنندگان را تشکیل داد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمرات دلزدگی زناشویی،

تاب‌آوری، تمایز یافتگی

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
دلزدگی زناشویی	۲۹	۱۲۷	۶۱/۵۶	۲۰/۵۶
تاب‌آوری	۲۵	۸۸	۵۵/۰۸	۱۴/۲۵
تمازیافتگی	۳۲	۹۸	۶۷/۳۶	۱۴/۳۰

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵
۱. دلزدگی زناشویی	۱				
۲. تاب‌آوری	**۰/۱۸۴-	۱			

پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI): این پرسشنامه توسط اسکورن و دندی (۲۲) به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد طراحی و تدوین شده است و بر ارتباط‌های مهم زندگی و روابط جاری افراد با خانواده اصلی تأکید دارد. شامل ۴۶ سؤال است. پاسگویی به سؤال‌های پرسشنامه به صورت شش گزینه‌ای (ابتدا در مورد من صحیح نیست=۱ تا کاملاً در مورد من صحیح است=۶) درجه‌بندی شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۶ و حداقل آن ۴۶ می‌باشد. در این پرسشنامه نمره بیشتر به معنی سطوح بالاتر تمایز یافتگی و نمره کمتر به معنی سطوح پایین‌تر تمایز یافتگی است. در ایران توسط مؤمنی، کاوسی امید و امانی (۲۳) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ گزارش شده است. در این پژوهش روایی تشخیصی پرسشنامه ۰/۵۷، و پایایی پرسشنامه به روش ترکیبی ۰/۸۴، و به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری (CD-RISC): مقیاس تاب‌آوری توسط کانر و دیویدسون (۲۴) طراحی شده که شامل ۲۵ گویه است. پاسگویی به سؤالات در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت بین

مقیاس تاب‌آوری (CD-RISC): مقیاس تاب‌آوری توسط کانر و دیویدسون (۲۴) طراحی شده که شامل ۲۵ گویه است. پاسگویی به سؤالات در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت بین

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. همچنان که ملاحظه می‌شود متغیرهای دلزدگی زناشویی با تاب آوری، تمایز یافتگی در سطح ۰/۰۱ و بصورت معکوس همبستگی معناداری دارند.

۱	۰/۲۰۸**	-۰/۲۰۸**	تمایز یافتگی
*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱			

جدول ۳. ضرایب استاندارد مستقیم برآورد شده توسط روش OLS

مسیرها	S.E	β	t	سطح معناداری
اثر کل				
تاب آوری \leftarrow دلزدگی زناشویی	۰/۱۱۳	-۰/۱۹۹	۱/۷۶۱	۰/۰۷۹
تمایز یافتگی \leftarrow تاب آوری	۰/۰۷۷	۰/۱۴۳	۱/۸۶۶	۰/۰۶۳
تمایز یافتگی \leftarrow دلزدگی زناشویی	۰/۰۹۷	۰/۰۰۱	۱/۰۰۸	۰/۹۹۴
اثر مستقیم				
تاب آوری \leftarrow دلزدگی زناشویی	۰/۱۱۳	-۰/۱۹۹	۱/۷۶۱	۰/۰۷۹
تمایز یافتگی \leftarrow تاب آوری	۰/۰۷۷	۰/۱۴۳	۱/۸۶۶	۰/۰۶۳
تمایز یافتگی \leftarrow دلزدگی زناشویی	۰/۰۹۶	۰/۰۲۹	۰/۳۰۵	۰/۷۶۱
اثر غیر مستقیم				
تمایز یافتگی \leftarrow تاب آوری \leftarrow دلزدگی زناشویی	۰/۰۲۶	-۰/۰۲۸	۱/۰۸۱	۰/۲۸۰

جدول ۳ نشان می‌دهد که اثر مستقیم تمایز یافتگی ($P>۰/۰۵$)، $\beta=۰/۰۲۹$) و اثر کل (مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم) بر دلزدگی زناشویی ($P>۰/۰۵$)، $\beta=-۰/۰۰۱$) معنادار است. اثر غیر مستقیم تمایز یافتگی از طریق تاب آوری ($P>۰/۰۵$)، $\beta=-۰/۰۲۸$) بر دلزدگی زناشویی معنادار نیست.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تعیین نقش میانجی تاب آوری در ارتباط بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره انجام شد. نتایج نشان داد که اثر مستقیم تمایز یافتگی و اثر کل (بر دلزدگی زناشویی معنادار است. اثر غیر مستقیم تمایز یافتگی از طریق تاب آوری بر دلزدگی زناشویی معنادار نیست.

همسو با این نتایج، غلامعلی پورجاغرق (۲۶) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که بین تمایز یافتگی خود با دلزدگی زناشویی ۳۸ درجه همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

بکیان و افشاری نیا (۲۷) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که رابطه غیر مستقیم تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی و رابطه غیر مستقیم سبک مسلط با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی معنادار می‌باشد. خسروی و همکاران (۲۸) به این نتیجه رسیدند که بین گرایش به طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی خود با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی رابطه معنی‌داری بودند. دلزدگی زناشویی رابطه بین گرایش به طلاق عاطفی و تمایز یافتگی خود را میانجی‌گری می‌کند. دلزدگی زناشویی به عنوان عوامل مهم و تأثیرگذار بر سطح ارتقا سلامت روانی مطرح است و با شناسایی عوامل به همراه برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند منجر به کاهش طلاق عاطفی و افزایش خود تمایز یافتگی شود.

کاظمیان مقدم و همکاران (۱۲) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی و

رضایت زناشویی» نشان داد مسیرهای غیرمستقیم تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی و رضایت زناشویی معنی دار بودند. بارتل-هارینگ، فریبی، و دی (۲۹) در پژوهشی با هدف تعیین نقش تمایزیافتگی به عنوان متغیر تعدیل کننده یا میانجی در ارتباط بین رضایت زناشویی و علائم افسردگی به این نتیجه دست یافت که تمایزیافتگی نقش تعدیل کننده در رابطه بین رضایت زناشویی و علائم افسردگی ندارد، اما در رابطه بین علائم افسردگی و رضایت زناشویی از طریق الگوی ارتباطی بازیگر و شریک، تمایزیافتگی نقش میانجی ایفا می کند. لوهان و گوپتا (۳۰) در پژوهشی رابطه بین تمایزیافتگی با سازگاری زناشویی را در ۵۲ زوج هندی بررسی کردند، و به این نتیجه دست یافتند که بین تمایزیافتگی و سازگاری زناشویی زوج های هندی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد، و $16/9$ درصد از واریانس سازگاری زناشویی به تمایزیافتگی و زیرمؤلفه های آن مربوط می شود. نقش عوامل دیگر همراه با تمایزیافتگی برای درک سازگاری زناشویی در زوجین هندی مشهود است.

در تبیین نتایج حاصل می توان گفت که در روابط زناشویی، تمایزیافتگی بالا فرد را قادر می سازد تا برای بهزیستی و صمیمیت بین خود و همسرش، مرزها را تنظیم کند و فرصت انجام آن را برای طرف مقابل نیز فراهم سازد. وقتی تمایزیافتگی زوج ها بالا باشد احتمال مقابله مناسب با تعارض ها نیز برای زوج ها بیشتر می شود و اضطراب، واکنش های هیجانی و در نهایت هم آمیختگی کاهش می یابد. در مقابل، تمایزیافتگی پایین در بین زوج ها باعث سطوح بالای هم میختگی شده که به از دست دادن «خود» افراد منجر می شود. این گونه پویایی ها می تواند تعارض بالا و در نهایت جدایی عاطفی به بار آورد. در واقع زوج های تمایزنا یافته، به هنگام وقوع تعارضات زناشویی، به وسیله مکانیزم کناره گیری، حمله متقابل یا عکس العمل های دفاعی، واکنش نشان می دهند. در واقع در این گونه مناسبات زناشویی که زوج ها در چرخه تعارض-اجتناب قرار دارند،

در ادامه تجربه احساسات منفی، رابطه به دلزدگی می انجامد آن چه تمایزیافتگی در مناسبات زناشویی برای زوج ها فراهم می آورد افزایش توانایی آن ها برای صمیمی شدن با یکدیگر، حفظ حریم شخصی و در عین حال درک تفاوت ها در موقعیت های پرتنش است. در واقع تمایزیافتگی، از هم آمیختگی زن و شوهر در مواقعی بحرانی که باید بر اساس منطق دست به تصمیم گیری بزنند، جلوگیری کرده و آن ها را قادر می سازد تا مشکلات موجود در رابطه را با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش پذیری های هیجانی و احساسی، رفع کنند. در حقیقت، آنچه زوج های تمایزنا یافته را دچار مشکل می سازد، اجتناب و فاصله گیری در موقعیت های دشوار است که تنها تسکینی موقتی بوده و در درازمدت با تشدید تعارض های زناشویی و از بین بردن حریم زناشویی، آن ها را به سمت دلزدگی سوق می دهد. به عبارت دیگر هرچه افراد از سطوح تمایزیافتگی پایین تری برخوردار باشند، به دلیل آمیختگی بیش تر عقل و احساساتشان، در تعارض های زناشویی درگیر تنش های عاطفی شدید با همسر شده و دچار دلزدگی زناشویی در طولانی مدت می شوند. بررسی نتایج مگی و بیزانز (۶) نشان داد که تمایزیافتگی بیشتر، باعث کاهش دلزدگی زناشویی زوجین می شود و از این طریق تعارض زناشویی زوجین را کاهش می دهد. زوجین تمایزنا یافته از طریق حفظ حس اطمینان خود در روابط نزدیک با یکدیگر، بدون نیاز به گریز هیجانی یا همجوشی با دیگران و نیز هنگام مواجهه با موقعیت های هیجانی با دیگران و همدیگر از خود واکنش هیجانی نشان نمی دهند و در این مواقع خونسرد هستند. زوجین با سطح تمایزیافتگی بیشتر، از غرق شدن در روابط نمی ترسند و بدین گونه منجر به اتخاذ رفتارهای دفاعی نمی شوند. با سطح زیاد تمایزیافتگی افراد از درگیر شدن در روابط امتزاج یافته، هنگام تجربه اضطراب امتناع می کنند؛ از اینرو زوجین تمایزنا یافته، دلزدگی کمتری از خود نشان می دهند و در نهایت تعارض کمتری از خود بروزی می دهند و زندگی زناشویی پایدار را تجربه می کنند. بنابراین می توان گفت که در رابطه زناشویی هرگاه سطح تمایزیافتگی هردو زوج پایین باشد آمیزش عاطفی

رضایت زناشویی» نشان داد مسیرهای غیرمستقیم تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی و رضایت زناشویی معنی دار بودند. بارتل-هارینگ، فریبی، و دی (۲۹) در پژوهشی با هدف تعیین نقش تمایزیافتگی به عنوان متغیر تعدیل کننده یا میانجی در ارتباط بین رضایت زناشویی و علائم افسردگی به این نتیجه دست یافت که تمایزیافتگی نقش تعدیل کننده در رابطه بین رضایت زناشویی و علائم افسردگی ندارد، اما در رابطه بین علائم افسردگی و رضایت زناشویی از طریق الگوی ارتباطی بازیگر و شریک، تمایزیافتگی نقش میانجی ایفا می کند. لوهان و گوپتا (۳۰) در پژوهشی رابطه بین تمایزیافتگی با سازگاری زناشویی را در ۵۲ زوج هندی بررسی کردند، و به این نتیجه دست یافتند که بین تمایزیافتگی و سازگاری زناشویی زوج های هندی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد، و $16/9$ درصد از واریانس سازگاری زناشویی به تمایزیافتگی و زیرمؤلفه های آن مربوط می شود. نقش عوامل دیگر همراه با تمایزیافتگی برای درک سازگاری زناشویی در زوجین هندی مشهود است.

در تبیین نتایج حاصل می توان گفت که در روابط زناشویی، تمایزیافتگی بالا فرد را قادر می سازد تا برای بهزیستی و صمیمیت بین خود و همسرش، مرزها را تنظیم کند و فرصت انجام آن را برای طرف مقابل نیز فراهم سازد. وقتی تمایزیافتگی زوج ها بالا باشد احتمال مقابله مناسب با تعارض ها نیز برای زوج ها بیشتر می شود و اضطراب، واکنش های هیجانی و در نهایت هم آمیختگی کاهش می یابد. در مقابل، تمایزیافتگی پایین در بین زوج ها باعث سطوح بالای هم میختگی شده که به از دست دادن «خود» افراد منجر می شود. این گونه پویایی ها می تواند تعارض بالا و در نهایت جدایی عاطفی به بار آورد. در واقع زوج های تمایزنا یافته، به هنگام وقوع تعارضات زناشویی، به وسیله مکانیزم کناره گیری، حمله متقابل یا عکس العمل های دفاعی، واکنش نشان می دهند. در واقع در این گونه مناسبات زناشویی که زوج ها در چرخه تعارض-اجتناب قرار دارند،

این پژوهش یک مطالعه همبستگی است، نمی توان به طور قطعی درباره روابط بین متغیرها استنباط علی صورت داد. پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی به منظور کسب اطمینان بیشتر و عدم وابستگی به ابزار پژوهشی معین، از ابزارهای دیگر مانند مصاحبه های نیمه ساختار یافته به منظور سنجش متغیرهای مورد نظر استفاده شود. با توجه به نتایج این پژوهش به سایر درمانگران و مشاوران پیشنهاد می شود، به نقش متغیرهای پژوهش، در از بین بردن دلزدگی زناشویی و استحکام خانواده و افزایش رضایت زناشویی، توجه و از آن-ها برای بهبود فرآیند زوج درمانی و پیشگیری از روند دلزدگی بین زوج ها استفاده شود و از نتایج این تحقیق در جهت آگاهی افزایی زوج های در شرف ازدواج استفاده شود. پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی عوامل مداخله گر مانند وضعیت اقتصادی، سبک فرزندپروری والدین، سن شرایط شغلی، مدت و شرایط ازدواج و فرهنگ مورد کنترل قرار گیرد.

بیشتری روی می دهد که این حالت منجر به کاهش کیفیت زناشویی و سازگاری پایین در روابط زناشویی می شود. در عوض زوج هایی که حداقل آمیزش عاطفی را باهم دارند، بیشترین فردیت را نیز دارند و این، امکان باهم بودن باثبات و محکم تری به آن ها می دهد. از سوی دیگر عدم تایید نقش واسطه ای تاب آوری در در رابطه بین تمایزیافتگی و دلزدگی زناشویی را می توان به جامعه آماری پژوهش، نمونه آماری پژوهش، زمان و مکان پاسخگویی به سؤال ها، تعداد بودن زیاد سؤال ها، پاسخ های نادرست به سؤال ها مربوط دانست. از محدودیت های پژوهش حاضر، ابزار اندازه گیری بود. مقیاس های خودگزارشی امکان سوگیری را فراهم می کنند؛ همچنین تفاوت آزمودنی ها در عوامل مربوط به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کنترل پژوهشگر نبود که براساس موارد ذکر شده در تعمیم یافته ها باید احتیاط شود. محدودیت دیگر مربوط به نوع مطالعه است. از آنجا که

References

1. Mahmoudpour A, Dehghanpour S, Yousefi N, Ejadi S. Predicting women's marital intimacy based on mindfulness, conflict resolution patterns, perceived social support, and social well-being. *Social Psychology Research*, 2021; 10 (39): 102-83.
2. Pines AM, Neal MB, Hammer LB, Ickson T. Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwiched generation. *Social Psychology Quarterly*. 2011 Dec;74(4):361-86.
3. Abbasi A, Ramezani L, Javanmard M. Investigating the relationship between family performance and couple satisfaction with marital boredom of married educators in Behshahr. *Disciplinary Knowledge*, 2017; 7 (4): 70-51.
4. Maier CA. Feminist-informed emotionally focused couple's therapy as treatment for eating disorders. *The American Journal of Family Therapy*. 2015 Mar 15;43(2):151-62.
5. Nejatian M, Alami A, Momeniyan V, Delshad Noghabi A, Jafari A. Investigating the status of marital burnout and related factors in married women referred to health centers. *BMC women's health*. 2021 Dec;21(1):1-9.
6. Magee C, Biesanz JC. Toward understanding the relationship between personality and well-being states and traits. *Journal of personality*. 2019 Apr;87(2):276-94.
7. Buser TJ, Pertuit TL, Muller DL. Nonsuicidal self-injury, stress, and self-differentiation. *Adultspan Journal*. 2019 Apr;18(1):4-16.
8. Bojanowska A, Urbańska B. Individual values and well-being: The moderating role of personality traits. *International Journal of Psychology*. 2021 Oct;56(5):698-709.
9. Likcani A, Stith S, Spencer C, Webb F, Peterson FR. Differentiation and intimate partner violence. *The American Journal of Family Therapy*. 2017 Oct 20;45(5):235-49.
10. Behboudi M. Structural equation modeling in explaining the relationship between early maladaptive schemas and differentiation of married female clients. *Educational Management Research*, 2014; 5 (2): 79-61.
11. Peleg-Popko O. Bowen theory: A study of differentiation of self, social anxiety, and physiological symptoms. *Contemporary Family Therapy*. 2002 Jun;24(2):355-69.
12. KazemianMoghaddam K, MehrabiZadeh M, Kiamanesh A, Hoseinian S. The role of differentiation, meaning of life and forgiveness in predicting marital boredom of married female students. *Women and Culture*, 2018; 9 (33): 50-35.

13. Apriliani A, Wardhani R, Savitri J. Prediktor Marital Satisfisfaction: Adakah Pengaruh Adult Attachment dan Family Resilience. *Journal of Education, Humaniora and Social Sciences (JEHSS)*. 2021 Oct 24;4(2):990-7.
14. Bristow G, Healy A. Innovation and regional economic resilience: an exploratory analysis. *The annals of regional science*. 2018 Mar;60(2):265-84.
15. Meerow S, Stults M. Comparing conceptualizations of urban climate resilience in theory and practice. *Sustainability*. 2016 Jul;8(7):701.
16. Joyce S, Shand F, Tighe J, Laurent SJ, Bryant RA, Harvey SB. Road to resilience: a systematic review and meta-analysis of resilience training programmes and interventions. *BMJ open*. 2018 Jun 1;8(6):e017858.
17. Heifetz M, Brown HK, Abou Chacra M, Tint A, Vigod S, Bluestein D, Lunskey Y. Mental health challenges and resilience among mothers with intellectual and developmental disabilities. *Disability and Health Journal*. 2019 Oct 1;12(4):602-7.
18. Jennifer Klinedinst N, Hackney A. Physiological resilience and the impact on health. In *Resilience in Aging 2018* (pp. 105-131). Springer, Cham.
19. Clement-Carbonell V, Ferrer-Cascales R, Ruiz-Robledillo N, Rubio-Aparicio M, Portilla-Tamarit I, Cabañero-Martínez MJ. Differences in autonomy and health-related quality of life between resilient and non-resilient individuals with mild cognitive impairment. *International journal of environmental research and public health*. 2019 Jan;16(13):2317.
20. Capri B. The Turkish Adaptation of the Burnout Measure-Short Version (BMS) and Couple Burnout Measure-Short Version (CBMS) and the Relationship between Career and Couple Burnout Based on Psychoanalytic-Existential Perspective. *Educational Sciences: Theory and Practice*. 2013;13(3):1408-17.
21. Sanai B, Davarniya R, Bakhtiari Said B, Shakarami M. The effectiveness of solution-focused brief therapy (SFBT) on reducing couple burnout and improvement of the quality of life of married women. *Armaghane danesh*. 2015 Aug 10;20(5):416-32.
22. Skowron EA, Dendy AK. Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary family therapy*. 2004 Sep;26(3):337-57.
23. Momeni K, Kavooosi Omid S, Amani R. Predicting marital commitment on the basis of differentiation of self, family adaptability and cohesion, and marital intimacy . *fpcej*. 2015; 1 (2) :46-58
24. Connor KM, Davidson JR. Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and anxiety*. 2003 Sep;18(2):76-82.
25. Moghadas M, Asadzadeh A, Vafeidis A, Fekete A, Kötter T. A multi-criteria approach for assessing urban flood resilience in Tehran, Iran. *International journal of disaster risk reduction*. 2019 Apr 1;35:101069.
26. Gholamalipour S. The relationship between self-differentiation and marital boredom of female primary school teachers. *New Ideas in Psychology*, 2021; 8 (12): 8-1.
27. Ali Bakian A, Afshari Nia K. Fitting the model of the mediating role of marital boredom in the relationship between self-differentiation, conflict resolution styles and marital expectations in predicting marital adjustment in married men and women in Kermanshah. *Psychological methods and models*, 2020; 10 (38): 246-225.
28. Khosravi J, Moradi O, Ahmadian H, Yousefi N. The causal model of the tendency to emotional divorce based on its differentiation mediated by marital boredom. *Women and Society*, 2021; 2 (46):172-159.
29. Bartle-Haring S, Ferriby M, Day R. Couple differentiation: Mediator or moderator of depressive symptoms and relationship satisfaction?. *Journal of marital and family therapy*. 2019 Oct;45(4):563-77.
30. Lohan A, Gupta R. Relationship between Differentiation of Self and Marital Adjustment in Indian Couples. *Journal of Psychosocial Research*. 2016 Jan 1;11(1).

Original Article

The mediating role of resilience in the relationship between differentiation and marital boredom in couples referring to counseling centers

Received: 26/03/2022 - Accepted: 19/06/2022

Mohammadreza Mahdigholi¹
Farideh Dokaneifard^{2*}
Pantea Jahangir²

¹ Department of Psychology,
Roudehen Branch, Islamic Azad
University, Roudehen, Iran

² Department of Counseling,
Roudehen Branch, Islamic Azad
University, Roudehen,
Iran (Corresponding Author)

³ Department of Counseling,
Roudehen Branch, Islamic Azad
University, Roudehen, Iran

Email: f_dokaneif@gmail.com

Abstract

Introduction: Marital boredom is one of the psychological issues affecting the quality of married life. The aim of this study was to determine the mediating role of resilience in the relationship between differentiation and marital boredom in couples referring to counseling centers.

Materials and Methods: The research method was correlation. The statistical population included all couples referring to family counseling centers in District 1 of Tehran in the period from the second half of July to the end of September 1400, in which 248 couples (124 males and 124 females) were selected by convenience sampling method and online Using marital boredom scales (Pinez, 1996), resilience (Connor and Davidson (2003)) and self-differentiation questionnaires (Skorn and Dundee, 2003) were evaluated using Pearson and OLS test models for data analysis. became.

Results: There is a negative and significant relationship between differentiation and marital boredom ($P < 0.05$), also resilience has no mediating role in the relationship between differentiation and marital boredom of couples.

Conclusion: Based on the findings of the present study, it can be said that differentiation has an important role in marital boredom and marital relationships in general.

Key words: Resilience, Differentiation, Marital Boredom.

Acknowledgement: There is no conflict of interest